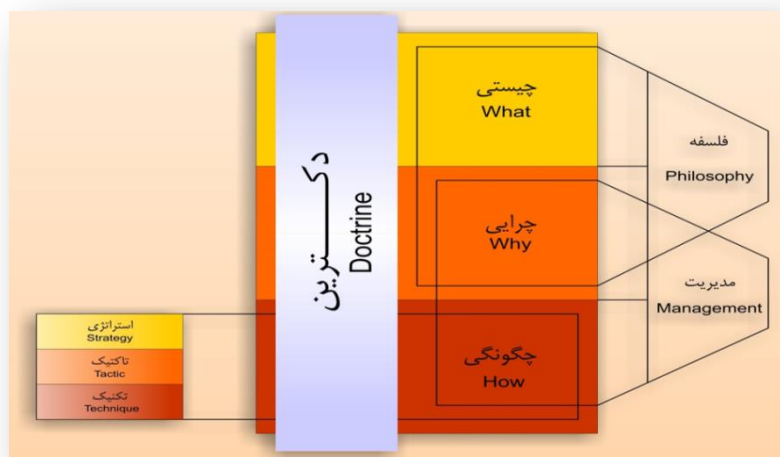


## ابعاد جبهه فرهنگی

برای بررسی ابعاد جبهه فرهنگی ابتدا باید به چپستی، چرایی و سپس چگونگی آن در مبحث پیاده سازی و عملیاتی کردن پرداخت؛ پاسخ به این پرسش ها ما را به دکترین های جبهه ای در حوزه فرهنگ می رساند که در چگونگی می توان از آن دکترین ها به استراتژی، تاکتیک و تکنیک رسید.

چپستی جبهه فرهنگی را در حوزه فلسفه و چگونگی آن را در حوزه مدیریت و چرایی آن را نیز در هر دو رویکرد فلسفی و مدیریتی باید پاسخ داد.

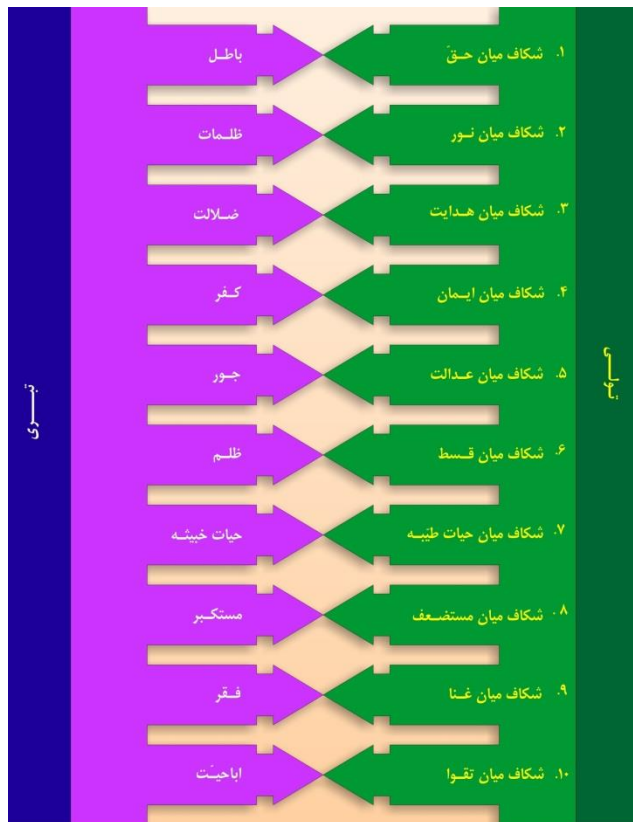


سپس باید از طریق تفکیک پارادایمی، صف خودی از غیر خودی (دوست و دشمن) را نیز مشخص نمود.

در صورتی که جبهه فرهنگی خودی را خدامحور بدانیم پارادایم شکل گرفته پارادایم تئوئیستی نامیده می شود که ایدئولوژی شکل گرفته در نتیجه آن، تسلیم شدن در برابر امر خدا است (اسلام) و جامعه ای که رقم می خورد جامعه هجری خواهد بود و اگر جبهه فرهنگی غیر خودی را انسان محور بدانیم پارادایم شکل گرفته پارادایم اومانئیستی نامیده می شود و ایدئولوژی حاکم بر آن تسلیم شدن در برابر خواسته ها و تمایلات انسان است (مدرنیسم) که به یک جامعه با تعریف جامعه مدنی منتج می شود.

خدامحوری	امانیسم
اسلام	مدرنیسم
جامعه هجری	جامعه مدنی

می توان در مطابقت با یک صحنه یا قوا در وضعیت نظامی، صحنه یا قوا در جبهه فرهنگی را نیز تبیین و مشخص نمود. در چنین توصیفی از قوا که یکی در جبهه حق و دیگری در جبهه باطل قرار می گیرد کل صحنه را می توان "کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا" در نظر گرفت.



نسبت به لایه های استراتژیکی، عملیاتی، تاکتیکی و تکنیکی، سطوح منازعه را نیز باید مشخص نمود.

سطوح منازعه	سطوح فرهنگ
جنگ فرهنگی	فرهنگ استراتژیکی
تبرد فرهنگی	فرهنگ عملیاتی
وزم فرهنگی	فرهنگ تاکتیکی
پیکار فرهنگی	فرهنگ تکنیکی

جبهه فرهنگی ماهیتی در حوزه قدرت نرم دارد بنابراین باید ابعاد آن را در نسبت با این حوزه تبیین نمود.

حوزه‌ی قدرت	اماج - میدان عمل		روش	جهت	دکترین قدرت اقدام
	تصرف	سیادت			
فرهنگی روانی اطلاعاتی	تصرف قلب‌ها	---	حب و بغض	ولایت و برات	ارضایی
	---	سیادت بر مفزها	شک و یقین	حق و باطل	اقتناعی

شناسایی ابعاد **Cultural Front**<sup>1</sup> در جبهه دشمن در قوای مقابل نیز ضروری است، مثلاً یکی از روش‌های تهدید نرم در حوزه فرهنگی، شکل‌گیری آنفولانزای نیویورکی است.

طیف‌شناسی آسیب نرم					دکترین	اماج	روش
مردم	رهبران	نظام	ایران	اسلام			
شبهه نسبت به مردم و یکدیگر	شبهه نسبت به رهبران	شبهه نسبت به نظام	شبهه نسبت به ایرانیت	شبهه نسبت به اسلام	شبهه	شبهه	شبهه
نفرت از مردم و یکدیگر	نفرت از رهبران	نفرت از نظام	نفرت از ایرانیت	نفرت از اسلام	نفرت	نفرت	نفرت

در تطابق وضعیت فرهنگی با وضعیت نظامی، از آنجا که در وضعیت نظامی و جنگ سخت، جهت دست‌یابی به سیاست مورد نظر یعنی سیاست پدافند<sup>2</sup> ملی (در نظام جمهوری اسلامی ایران)، تشکیل سازمان نظامی برای سازماندهی نیروهای مسلح کشور به منظور توانمندسازی آن‌ها ضروری است لذا در وضعیت فرهنگی و جنگ نرم نیز باید جهت دستیابی به سیاست مورد نظر یعنی سیاست ناتوی فرهنگی (در نظام جمهوری اسلامی ایران)، تشکیل یک سازمان فرهنگی کلان برای سازماندهی نیروهای فرهنگی کشور به منظور توانمندسازی آن‌ها امری ضروری به نظر می‌رسد.

1. جبهه فرهنگی
2. پدافند در مفهوم کلی، مجموعه اقداماتی است که به منظور دفع، خنثی‌سازی، کاهش تاثیر اقدامات آفندی دشمن و جلوگیری از دستیابی دشمن به اهداف خودی انجام می‌گیرد.

تشکیلات نظامی مبتنی بر سلسله مراتب است لذا تعیین سلسله مراتب در یک تشکیلات فرهنگی در تطابق با یک ساختار نظامی نیز امری ضروری به نظر می رسد. مثلا در نیروهای مسلح ایران به درجه ستوان سوم تا سرهنگ تمام درجه افسری می گویند و به کسی که دارای یکی از این درجه‌ها باشد افسر می گویند. در تشکیلات فرهنگی نیز می توان افرادی را در مرتبه **سربازان صفر**، افرادی را مرتبه **افسران** و افرادی را نیز در رتبه **ژنرال ها یا فرماندهان** طبقه بندی کرد.

در تطابق با **ستاد کل نیروهای مسلح**<sup>3</sup> که نهادی نظامی در جمهوری اسلامی ایران است و مسئولیت هماهنگی میان کلیه نیروهای نظامی کشور را عهده دار است نیز می توان **ستاد مشترک جبهه های فرهنگی**<sup>4</sup> (شورای عالی انقلاب فرهنگی!) را به عنوان نهادی فرهنگی در کشور در نظر گرفت که مسئولیت هماهنگی میان جبهه های مختلف فرهنگی و مهندسی فرهنگی را عهده دار است.

در تطابق با **نیروهای مسلح کشور** که ارتش، سپاه و نیروی انتظامی هستند می توان **دو جبهه کلان شور فرهنگی و شعور فرهنگی** را در نظر گرفت. در جبهه شعور فرهنگی وجود **اندیشکده ها جهت سیادت بر مغز ها** از طریق **اقتناع** ضروری است و در جبهه شور فرهنگی نیز وجود **انگیخکده ها جهت تصرف بر قلب ها** از طریق **ارضایی** (مبتنی بر رضایت) ضروری است.

در اندیشکده ها (اتاق های فکر- جایگاه نخبگان)، **سربازان صفر** افرادی هستند که نیاز به آموزش دارند و سطح فرهنگی آن ها سطح تکنیکی با سطح منازعه پیکار فرهنگی است (**دانش آموزان**)؛ **افسران** افرادی هستند که علاوه بر نیاز به آموزش در سطحی بالاتر، می توانند سهم عمده ای را در جبهه فرهنگی در سطوح فرهنگی تاکتیکی و عملیاتی با سطوح منازعه رزم فرهنگی و نبرد فرهنگی ایفا کنند (**دانشجویان**)؛ **ژنرال ها یا فرماندهان** یا **رهبران** نیز افرادی هستند که می توانند در سطح فرهنگی استراتژیکی و سطح منازعه جنگ فرهنگی در جبهه شعور فرهنگی، **سربازان صفر** و **افسران** را جهت رسیدن به اهداف استراتژیکی هدایت و رهبری کنند ( **اساتید دانشگاه، علما حوزه و...**).

در **انگیخکده ها** (هنرکده ها - هنرگاه ها- جایگاه نخبگان) نیز باید به همان نسبت **سربازان**، **افسران** و **فرماندهان** را مشخص نمود تا سهم عظیم این عرصه را در جبهه شور فرهنگی پرداخت نمود. ( **تئاتر، سینما، سرود، موسیقی اصیل ایرانی، مداحی و ...** )

می توان در عرصه داخلی مبتنی بر **سیاست پدافند فرهنگی** در مقابل **سیاست شبیخون فرهنگی**<sup>5</sup> عمل کرد و در عرصه بین الملل (برون مرزی) **سیاست ناتوی فرهنگی**<sup>6</sup> را دنبال نمود.

---

3. این ستاد وظیفه سیاست گذاری و فرماندهی کلیه نیروهای مسلح ایران از جمله ارتش، سپاه، نیروی انتظامی را بر عهده دارد. این ستاد به طور مستقیم زیر **نظر مقام رهبری** اداره و رئیس ستاد از سوی او انتخاب می شود.

4. این ستاد وظیفه سیاست گذاری و فرماندهی کلیه نیروهای جبهه فرهنگی کشور را بر عهده دارد. رئیس این ستاد **رئیس جمهور** است لذا یکی از بزرگترین ضعف ها در این ستاد می تواند تاثیر نگاه متغیر و متمایز دولت ها بر عرصه فرهنگ باشد که در هر دوره با تغییر رئیس جمهور اتفاق می افتد.

5. حرکت فرهنگی همه جانبه دشمن با امکانات وسیع رسانه ای و ...

6. حرکت فرهنگی مبتنی بر برنامه ریزی، هدف دار و در سطح گسترده

بنابراین عرصه داخلی را مبتنی بر سیاست پدافند فرهنگی می توان به دو جبهه شور فرهنگی و شعور فرهنگی تقسیم نمود، برای جبهه شور فرهنگی در عرصه داخلی، انگیخکده ها و برای جبهه شعور فرهنگی در عرصه داخلی اندیشکده ها را تعریف و تبیین نمود و همچنین عرصه بین الملل مبتنی سیاست ناتوی فرهنگی را نیز می توان به دو جبهه شور فرهنگی و شعور فرهنگی تقسیم نمود و برای جبهه شور فرهنگی در عرصه بین الملل، انگیخکده ها و برای جبهه شعور فرهنگی در عرصه بین الملل اندیشکده ها را تعریف و تبیین نمود.

در تطابق با عوامل درگیر در یک جنگ سخت، جبهه فرهنگی نیز نیاز به حمایت و پشتیبانی، بیسیم چی، سنگر، خط مقدم، دیده بان و .. نیز دارد که بررسی هر کدام از این موارد حوصله ای مضاعف می طلبد که بنده اون رو ندارم.

## پاسخ سوالات

### **نسبت فرهنگ و هنر**

فرهنگ و هنر دو مقوله جدا از هم هستند ولی در عین حال مکمل یکدیگرند.

هنر برای اینکه به خلق یک اثر منتج شود نیاز به یکسری مواد اولیه فرهنگی (باورها، ارزش ها، رفتارها و نماد های اجتماعی) دارد. هنر بدون ماده فرهنگی پدید نمی آید و آنچه در هنر به عنوان اثر خلق می شود دارای زمینه ای از باورها، ارزش ها، رفتارها و نمادهای اجتماعی است لذا وقتی هنر مجموعه ای از این زمینه ها را به دوش می کشد می تواند به عنوان جزئی از فرهنگ با ظرفیت های دوام و قوامی که دارد، در فرهنگ سازی و همچنین حفظ و گسترش و انتقال آن نیز موثر باشد.

### **نسبت فرد، فرهنگ و جامعه**

جامعه از مجموعه ای از افراد تشکیل شده است که جهت برآوردن نیازهایشان، با ایجاد مناسبات و روابطی کنار هم زیست می کنند؛ این مناسبات و روابط مجموعه ای از باورها، ارزش ها، رفتارها و نمادهای اجتماعی است که تحت عنوان فرهنگ در سیستم خانواده، مدرسه و جامعه شکل می گیرد و نقش بارز و اساسی در شخصیت فرد دارد.

بنابراین فرایند فرهنگی شدن فرد و جامعه یک جریان دو سویه است؛ یعنی اکثریت افراد جامعه با تربیتی که از دوران کودکی در خانواده، مدرسه و جامعه پیدا می کنند تحت تاثیر فرهنگ محیط قرار دارند اما در گذر زمان افراد به واسطه داشتن اراده و اختیار متناسب با میزان علم و قدرت و نقشی که در جامعه دارند تاثیراتی را بر فرهنگ پیرامونی خود می گذارند.

## ثبات هویتی و جهانی شدن

مکان، فضا، زمان و فرهنگ عوامل اصلی هویت سازی هستند، با جهانی شدن مرزهای مکانی فرو می ریزد و توانایی هویت سازی مکانی به تحلیل می رود و محل را به یک فضای گسترده تر پیچیده تبدیل می کند. جهانی شدن توانایی هویت سازی زمان را نیز بسیار کاهش می دهد و یک دنیای بی زمان پدید آورده و هویت را با چالش مواجه می سازد. جهانی شدن با برهم ریختن فضای انحصاری و از بین بردن مصونیت فرهنگها قابلیت آن را در هویت سازی کاهش می دهد .

از بین رفتن مرزهای هویتی طی پروژه جهانی شدن به معنی تحت تاثیر قرار گرفتن هویت‌های بعضی جوامع توسط جریانهای مسلط طی پروسه جهانی سازی است چرا که آنها سعی در مطرح کردن عناصر هویتی خود دارند. در جهانی سازی، از طریق وسایل ارتباط جمعی پیشرفته، فرهنگ کشورهای مسلط به راحتی به کشورهای جهان سوم عرضه می شود و هویت‌های فردی، قومی، ملی و مذهبی این ملل تحت تاثیر قرار می دهد.

## تعریف اصطلاحات

### "Globalization" جهانی شدن :

(پروسه) به استقبال یک جهان رفتن ، متحد شدن ، آشنایی با فرهنگهای دیگر و احترام گذاشتن به آراء و نظریات دیگران ، حرکتی کند و درونزاد ، فرایندی سیال و در حال انتشار در جهان.

### "Globalizing" جهانی سازی :

(پروژه) به فرایندهای وابستگی و همگونی جهانی معطوف است و دلالت بر این دارد که قصد، برنامه و آگاهی معینی پشت این فراین نهفته است. نیرویی از بیرون وجود دارد که مردم یک کشور یا یک منطقه را مجبور به پذیرش عقیده و جهانی کردن فرهنگهای جهانی می کند .

### یونیورسالیسم:

( جهان شمول گرایی) به ارزشهایی معطوف است که انسان را در هر زمان و مکانی، فارغ از تعلق های فرهنگی، چونان سوژه ها یا فاعلانی خود مختار در نظر می گیرند.

### گلوبالیسم :

ارزشهایی که افراد پایبند به آن ارزشها کل زمین را محیط مادی و افراد روی آن را شهروندان ،مصرف کنندگان وتولید کنندگان جهانی می دانند و خواهان اقدام جمعی برای حل مشکلات جهانی هستند.

## "Cosmopolitanism" جهان میهنی یا جهان وطنی:

کاسموپولیتیسیم، معتقد است همه مردم جهان باید خود را هم وطن یکدیگر و همه جای دنیا را وطن خود بدانند. آنان هدفشان رسیدن به فرهنگ و ادبیاتی جهانی به دور از هر گونه وابستگی ملی و تفاوت های نژادی است. مفهومی است که باور به متعلق بودن به تمام جهان و مردم آن و عدم وابستگیهای قومی-ملی و در کل، باور به اینکه جهان، میهن مشترک تمامی مردم است. در این مفهوم، تعلقات مادی و معنوی ویژه ای به کشور خاصی (به ویژه خودی) وجود ندارد و فرد جهان میهن علایق فرهنگی، سنتی و سیاسی ویژه‌ای نسبت به سرزمین و کشور اصلی خود ندارد و بنا به اعتقاد به مشترک بودن جهان به عنوان سرزمین تمامی بشر، به حکومت جهانی می‌اندیشد؛ و با هرگونه مرز فرهنگی، سیلسی، و اجتماعی مغایرت دارد.

### خاص گرای فرهنگی:

مقاومت و واکنشی بومی در قبال جهانی شدن و همگون و یکدست سازی فرهنگی جهان است در چنین شرایطی، عناصر فرهنگی مختلف از بستر و سرزمین معین، جدا می‌شوند و همین فضای جهانی به صورت عرصه حضور و برخورد فرهنگ‌های گوناگون در می‌آید. خاص گرایی فرهنگی شامل خاص گرایی قومی، ملی گرایی، بنیاد گرایی دینی می‌شود.

بطوریکه این پدیده گاه به 1. همزیستی و آمیزش فرهنگی (عام گرایی فرهنگی) منجر می‌شود و 2. غالباً نیز به ستیزها و خاص گرایی فرهنگ می‌انجامد. فرایند جهانی شدن خاص گرایی های فرهنگی را تقویت می‌کند.

### عام گرایی فرهنگی:

عام گرایی بر انطباق، انعطاف، آمیزش، تعدیل و تفاهم استوار و مناسب ترین و عملی ترین موضع گیری را هنگام برخورد با اطلاعات، افکار، ارزش ها و دیدگاه های جدید، توسل به گفت وگو، هم پذیری و دست کم همزیستی می‌داند. در این قسمت مفاهیمی هم چون، همزیستی و آمیزش فرهنگی، دیالکتیک عام و خاص، تحول و تعالی فرهنگی مطرح می‌شود.

موفق باشید

محمدعلی حبیب زاده